

رویکرد انتقادی به تکامل معنوی انسان از دیدگاه دیپاک چوپرا بر اساس آراء ملاصدرا

حمزه علی اسلامی نسب، دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، ایران،
islaminasab@hotmail.com

چکیده

معنویت‌های نوظهور نگاهی ویژه و نو به انسان و جایگاه او در هستی دارند که به مبانی خاصی در انسان‌شناسی می‌انجامد. از جمله آن مبانی، تکامل‌گرایی (معنوی و زیستی) است. هر کدام از چوپرا و ملاصدرا در بحث تکامل‌گرایی معنوی مباحث مختلفی چون راه‌های تکامل، موانع تکامل، هدف و غایت تکامل و ... را مطرح کرده‌اند. این پژوهش درصدد پاسخ به این سوال است که بر اساس دیدگاه‌های ملاصدرا چه نقدهایی بر تکامل‌گرایی معنوی دیپاک چوپرا وجود دارد؟ نتیجه بررسی و تحلیل دیدگاه‌های چوپرا و ملاصدرا بر اساس بررسی و تحلیل تالیفات آندو این است که اگرچه مشابهت‌هایی میان دیدگاه‌های آندو وجود دارد لکن تکامل‌گرایی صدرایی در راستای وصول به خدای متعال می‌باشد و تمام راهها و موانع تکامل که مورد بحث قرار می‌گیرد به منظور کمک به سالک در سیر و سلوک است لکن تکامل‌چوپرای تکاملی کاملاً الهی نبوده و بیشتر زیستی است و عمدتاً برای آرامش درونی و رفع گرفتاری‌های دنیوی انسان می‌باشد.

واژگان کلیدی: تکامل‌گرایی، تکامل معنوی انسان، دیپاک چوپرا، ملاصدرا

مقدمه

تکامل‌گرایی از مبانی حیاتی و بسیار مهم انسان‌شناختی ادیان الهی، ادیان ساختگی، معنویت‌های دینی و غیردینی و مکاتب فکری است. اگرچه تمام ادیان درصدد به کمال رساندن انسان‌ها هستند لکن در نوع کمال و چگونگی رسیدن به آن اختلاف نظر دارند. تکامل به دو دسته معنوی و زیستی تقسیم می‌شود. برخی از ادیان و معنویت‌ها به هر دو اعتقاد دارند و برخی به معنوی و برخی نیز تکامل زیستی را سرلوحه تعلیم خود قرار داده‌اند. در عصر حاضر معنویت‌های دینی و غیردینی درصددند تا با برخی تعلیم ساختگی و یا تعلیمی که برخی از آنها ریشه در ادیان الهی دارند انسان را به کمال برسانند. در واقع آنها عقیده دارند انسان‌ها به لحاظ زیست‌شناختی به تکامل رسیده‌اند و اکنون نوبت آن است که به لحاظ معنوی تکامل یابند. (دروش، ۱۳۸۴: ۶۷)

چوپرا به عنوان موسس عرفان آیورودایی که نوعی معنویت غیردینی می‌باشد نگاه ویژه و منحصر به فردی به انسان دارد و مبانی وی در بحث انسان‌شناسی عبارتند از: انسان‌گرایی، انسان‌تک‌ساختی (ذهن‌گرایی)، تکامل‌گرایی، جاودانگی، خلاقیت. تکامل‌گرایی در اندیشه چوپرا جایگاه مهمی دارد چنانکه وی با جمع‌آوری گروهی از رهبران تکامل

نوبین همچون نیل دونالد والش، کن ویلبر، اروین لازلو، و باربارا مارکس هابارد و ... در سال ۲۰۰۸م در مرکز معنوی خود و با بنیان گذاری بنیاد رهبران تکاملی جهان به آنها لقب «رهبران تکاملی» را اعطا کرد.

مسئله اصلی مقاله این است بر اساس آراء صدرا چه نقدهایی بر دیدگاه چوپرا در زمینه تکامل معنوی وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش تاکنون کتاب، پایان نامه و مقاله مستقلی نگاشته نشده است لکن آقای رسول حسن زاده در پایان نامه خود با عنوان هستی شناسی و معناشناسی مفاهیم اخلاقی در جنبش های نوپدید و مقاله معنویت انسان انگار در اندیشه چوپرا به تکامل گرایی انسان اشاره کرده و در ضمن آن به صورت گذرا به نقد دیدگاه چوپرا پرداخته است. نقد و بررسی دیدگاه های چوپرا نیازمند نظام فکری و مفهومی مشخصی است که بر اساس آن، نقد و ارزیابی آراء چوپرا صورت بگیرد. در این رابطه ملاصدرا جایگاه ویژه ای دارد چرا که وی در میان فلاسفه اسلامی توجه ویژه ای به انسان و تکامل او دارد تا آنجا که نظام فلسفی خود یعنی حکمت متعالیه را بر اساس چهار سفر معنوی انسان پایه گذاری نموده است. (صدرالدین شیرازی ۱۹۸۱، ج ۱: ۱۳) و حداقل دو جلد از اسفار نه جلدی خود را به تکامل انسان اختصاص داده است و مبانی بسیار محکمی در مباحث انسان شناسی دارد. (همان، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۸۵ - ۱۹۷، ۲۲۹؛ ج ۱: ۳۸؛ همو، ۱۴۱۷ق، شاهد اول، ص ۶ به بعد) در نتیجه حکمت متعالیه به عنوان مکتبی کامل که بر اساس عقل نظری، عقل عملی، شهود و ... پایه ریزی شده است ظرفیت لازم برای تحلیل و نقد تکامل گرایی معنوی از نگاه چوپرا را دارد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تکامل گرایی از مباحث مهم ادیان الهی و غیر الهی و مکاتب فلسفی، معنویت های دینی و غیردینی و ... می باشد و به دو نوع تکامل زیستی و معنوی تقسیم می شود که در موارد گفته شده عمدتاً تکامل معنوی مورد بررسی قرار می گیرد و به عنوان آموزه های مهم آنها قلمداد می گردد. تکامل معنوی تکاملی است که به هدف رسیدن به خدا یا موجودی برتر و معنوی انجام می گیرد. دیپاک چوپرا یکی از مروجان برجسته معاصر معنویت غیردینی و یکی از رهبران سرشناس "جنبش تفکر نوبین" یا جنبش های نوپدید دینی می باشد که در سال ۱۹۴۶م در دهلی نو به دنیا آمد. وی رشته متابولیسم و غدد درون ریز را به عنوان تخصص پزشکی خود انتخاب کرد و در سال ۱۹۷۰م به آمریکا مهاجرت نمود و در سال ۱۹۸۱م به هند مسافرت کرده و با تریگونا که با گرفتن نبض انسان ها می توانست تاریخچه زندگی و بیماریهای آنها را حدس بزند ملاقات نموده و علاقمند شد تا در عرصه درمان های آیورودایی فعالیت هایی را انجام دهد.

از آنجا که عرفان چوپرا عمدتاً بر پایه فیزیک کوانتوم پایه ریزی شده در سال ۱۹۹۸م جایزه معروف ایگ - نوبل در رشته فیزیک به وی اعطا شد. مجله تایم نیز در سال ۱۹۹۹م وی را یکی از صد فرد برجسته قرن دانسته و از او به عنوان یکی از نمادهای بارز قرن معرفی کرد. همچنین این مجله به چوپرا لقب "شاعر - پیامبر در زمینه پزشکی جایگزین" بخشید. در سال ۲۰۰۸م، به همراه انجمن تفکر نوبین جهانی، موسسه رهبران تکاملی را تأسیس نمودند و در سال ۲۰۰۹، بنیاد چوپرا آغاز به کار نمود.

چوپرا در زمینه های گوناگون اجتماعی، دینی، فلسفی و روانشناختی تالیفاتی را ارائه داده که تعداد آن‌ها بیش از ۸۰ عنوان می‌باشد و به ۳۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده اند و ۲۱ عنوان از آثارش جزء پرفروش ترین های نیویورک تایمز قرار گرفته است. کتاب های شفای کوانتومی: کاوشی در مرزهای پزشکی ذهن - بدن و نیز چگونه خدا را بشناسیم از جمله مهمترین کتاب‌هایی هستند که توسط وی تالیف شده اند. کتاب اولی مربوط به حوزه سلامت، ذهن و معنویت می‌باشد که در سال ۱۹۸۹م نگاشته شده و در قالب راهکارهای درمان و تغذیه، عرفان های شرقی و اندیشه های اومانیستی ارائه می شود. دومی در زمینه خداشناسی است. وی در این کتاب خدا را غیرمتشخص معرفی کرده که ذهن انسان می‌تواند در فرایند تکاملی، فراقنی کند.

از دیگر کتاب‌های وی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: هفت قانون معنوی موفقیت، جاده عشق، هدیه عشق، در شادی پایدار زیستن، داستان پیامبر خدا محمد و الهامی که دنیا را دگرگون ساخت، آفرینش فراوانی: آگاهی فراوانی در گستره همه امکانات، بازگشت مرلین، صلح در راه است، همزاد، کتب اسرار، از بازی گلف لذت ببرید و

صدرالدین محمد بن ابراهیم قوام شیرازی معروف به مَلَّاصَدْرَا و صدرالمتألهین از فلاسفه قرن یازدهم هجری قمری و بنیان‌گذار حکمت متعالیه می باشد که به تکامل معنوی انسان توجه ویژه دارد و آن را در راستای وصول به خدای متعال می داند. وی کمال نفس را در شدت وجود و قوت مدرکات می‌داند. از حیث وجودی، نفس قابلیت رسیدن به تمام مراتب امکانی وجود را دارد. لذا برای تکامل انسان هدف و غایت، ابزار، موانع و ... مطرح می کند.

ماهیت تکامل معنوی

۱- تکامل معنوی از منظر چوپرا

چوپرا برای توضیح کمال و تکامل معنوی ابتدا به سراغ انسان می رود و از حقیقت آن جويا می شود. وی فصل چهارم کتاب اکسیر خود را با این سوال مهم من کیستم؟ آغاز کرده و در پاسخ آن، به نقل از کیمیاگر می گوید: آن چه که در دنیا، انسان را محدود می کند نامها و برچسبها و اوصاف است. اگرچه داشتن نام خوب است و فایده دارد لکن به سرعت باعث محدودیت می شود. نامها تنها باعث توصیف انسان می شوند به این صورت که زمان و مکان تولد و نیز پدر و مادر انسان را معین می کنند و نیز مشخص می کنند که در کدام مدرسه درس خوانده و در کجا ساکن است. در نهایت هویت انسان در جعبه ای از کلمات احاطه شده است. محتوای جعبه می تواند شامل عناوینی چون وکیل، استاد دانشگاه، دارای سه فرزند و ... باشد. این کلمات و عناوین انسان نامشروط را به تله شرط و شروط می اندازد. (چوپرا، ۱۳۸۲ الف: ۵۰-۵۱) در واقع تقدیر انسان این است که نقش های بی شمار و متعددی بازی کند لکن هیچ کدام از آن نقش ها خود انسان نیستند. (چوپرا، ۱۳۸۲ الف: ۴۸)

تکامل از نگاه چوپرا تکامل دارای معنایی وسیع است و شامل انواع تکامل کائنات، تکامل زیستی، اجتماعی و تطوری می شود. رهبران تکامل نوین از جمله چوپرا معتقدند انسان قبل از تکامل بیولوژیکی دارای تکامل دیگری بود. بعد از تکامل بیولوژیکی تکامل فرابیولوژیکی را تجربه کرد. انسان سپس تکامل های دیگری چون تکامل آگاهی و آگاهی از این آگاهی

و در عین حال آگاهی از تکامل را تجربه کرد. وی سپس می گوید: «تکامل همین حالا در ذهن انسان در نتیجه تجربه کردن شکل می گیرد. این تکامل را جذب می کنیم تا بخشی از وجود ما شود. افکار و خلاقیت انسان، جملگی در واکنش به محیط انسانی شکل گرفته اند. تکامل فرایولوژیکی مستلزم بقای عاقل ترین ها و مدبرترین ها است. در تمامی این مراحل عمل تکامل بدون تلاش صورت گرفته است. طبیعت وجود است که رشد کنیم. مدبرشدن تنها مرحله بعدی رشد خواهد بود. نباید کاری بکنیم جز، پیروی از گرایش طبیعی که ما را در مرحله نخست آگاه و مدبر کرد و بعد آگاهی از این آگاه بودن را در ما ایجاد کرد». (چوپرا، ۱۳۸۴: ب: ۱۴۱)

وی در مورد کامل بودن نیز می گوید: کامل بودن در جامعه با کامل بودن حقیقی تفاوت بسیار دارد چرا که «مفهوم کامل بودن در جامعه ما این است که تا حد امکان نقشهای بیشتری را ایفا کنیم. اما کیمیاگر ابد این وضعیت را به این صورت نمی بیند. از دیدگاه او کامل بودن به معنای رهایی از هرگونه نقش است». (چوپرا، ۱۳۸۲ الف: ۵۳) در نتیجه اگر انسان از همه نقش رها رها شود می تواند کامل شود و به تکامل دست یابد.

کامل بودن حقیقی و تکامل معنوی از نگاه چوپرا به این صورت است که انسان در مرحل هفتگانه خداشناسی و عشق بتواند به خدا و آرامش درونی برسد و هستی را آن چنان ببیند که خدا می بیند... چوپرا در توضیح مراحل هفتگانه می گوید شاید واقعیت فقط نمادی از عملکرد ذهن خدا باشد و اگر چنان باشد اعتقاد بدوی که خدا را در هر برگ گیاه، هر آفریده و ... وجود دارد ممکن است عالی ترین حقیقت را دربرداشته باشد. در هر مرحله، خدا ما را به سفری می برد که نقطه پایانی آن بی آلاشی کامل و احساس آرامش است. (چوپرا، ۱۳۸۴ الف: ۸۰) در واقع شناخت انسان از خدای متعال به صورت زیست شناختی است (چوپرا، ۱۳۸۴ الف: ۷۵) لکن انسان مانند بچه ای است که رشد می کند مجبور است سیر تکامل را به طرف پندار کامل تری بپیماید تا روزی که بتواند همه چیز را همان طور که خدا می بیند ببیند. (چوپرا، ۱۳۸۴ الف: ۸۰)

چوپرا در مورد نقش عشق در تکامل بر نیازهای نفس مشترک در هر رابطه انسانی (دوطرفه) تاکید می کند. وی معتقد است: «مسئله اصلی زمانی ظاهر می شود که این نیازها رشد ظریف عشق را در بعد معنوی اش مانع می شوند. مدت ها پیش از آنکه عاشق شویم، نیازهای خود را بیش از حد کفایت می شناسیم. یافتن راهی برای ارضاء آنها دقیقاً به معنی رهایی از آنها نیست. فقط عشق می تواند ما را به رهایی برساند زیرا که حقیقت وجودی آن پادزهری برای ترس است». (چوپرا، ۱۳۸۸: ۱۴۵) در واقع برای رسیدن به معنویت و رشد آن نیاز به عشق است اگر عشق وارد زندگی انسان شود معنویت انسان نیز بسان درختی رشد خواهد کرد. «ارزشمندترین چیزی که هر کس می تواند به درون هر رابطه انسانی بیارود، انرژی نهفته معنوی اوست. این همان چیزی است که در بدو آغاز زندگی با حکایت عاشقانه، می بایست به عمیق ترین نحو عرضه کنی. همانگونه که زندگی درخت از بذر آغاز می شود برای رشد و پرورش عشق نیز نیازمند بذری هستیم که همان انرژی معنوی نهفته ماست». (چوپرا، ۱۳۸۸: ۴۲) چوپرا معتقد است شکوفایی انرژی معنوی تنها از جانب وی گفته نشده بلکه مشغله اصلی تمام فرزندانگه، خردمندان و همه مردان بزرگ تاریخ بشریت است. (همان)

۲- تکامل معنوی از منظر ملاصدرا

برخی چون فارابی معتقدند مفهوم کمال بدیهی و روشن بوده و مقصد و غایت هر حرکتی به عنوان کمال آن حرکت به حساب می آید. (فارابی ۱۴۱۳ق: ۲۲۸) در تالیفات صدرا سه واژه اکمال، استکمال و تکامل مرادف همدیگر می باشد. لذا به معنای دیگر تکامل ترقی شیئی از مراتب و مراحل پایین به مراحل بالاتر است که در نتیجه به خدای متعال ختم می گردد. (صدرالدین شیرازی ۱۹۸۱، ج ۹: ۱۲۱) و کمال عبارت است از چیزی که نوع در ذات یا توابع خود بدان وابسته است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ۲۳۲) صدرا کمال را مفهومی نسبی می باشد یعنی یک شیئی نسبت به یک شیء دیگر کمال محسوب می شود لکن نسبت به شیء سوم کمال به حساب نمی آید. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ۳۶۱)

همه موجودات دارای استعداد هستند لکن همه آنها در یک سطح نبوده بلکه میزان استعداد هر کدام با دیگری متفاوت است و آن چیزی که باعث به فعلیت رسیدن استعدادها می شود فراهم گشتن برخی زمینه هاست. همه موجودات به دنبال کمال بوده و در این راه استعدادهای خود را تقویت می کنند. از این رو کمال، صفتی وجودی می باشد که نتیجه به فعلیت رسیدن استعدادهای درونی هر موجود نسبت به موجود دیگر است. به عنوان نمونه کمال یک نهال این است که بواسطه تحقق شرایط، استعداد درخت بزرگی را که در ذات او می باشد را به فعلیت برساند. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۸: ۷) کمال با وجود ارتباط مستقیم دارد به این صورت که هر موجودی هر چقدر که به لحاظ وجودی دارای حدود و نواقص کمتری باشد به همان اندازه نیز کامل تر و سعادتمندتر است. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۹: ۱۲۱)

۳- بررسی تطبیقی تکامل معنوی

تکامل از نگاه چوپرا تفاوت زیادی با تکامل صدراپی دارد که از جمله آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۱- چوپرا تکامل را آن چیزی می داند که امثال کیمیاگر، جادوگر و ... آن را به عنوان تکامل و کامل بودن قبول داشته باشند. این عناوین اشاره به انسان های کاملی است که راه تکامل را دانسته و می توانند انسان را به تکامل برسانند. در حالی که ملاصدرا چون تکامل را به معنای تقرب به خدای متعال می داند هادیان به خدای متعال را وحی و رسولان الهی معرفی می کند. در نتیجه اشکال چوپرا این است که اگر تکامل، به معنای رسیدن به خدای متعال باشد باید افرادی انسان را در تکامل کمک کنند که مورد تایید خدای متعال باشند در حالی که کیمیاگر و جادوگر اگرچه افرادی دانا به حساب می آیند لکن از جانب خدای متعال فرستاده نشدند و دلیلی بر تایید گفته های آنها از توسط خدای متعال وجود ندارد.

۲- اشکال دیگر چوپرا این است که تکامل از نگاه او، در سطحی نازل قرار دارد و نمی توان تکاملی که در مراحل هفتگانه انجام می گیرد را تکامل معنوی به معنای دقیق کلمه نامید چرا که اگرچه وی هر مرحله از مراحل مذکور را سفری می داند که خدا در آن مرحله ما را به سفری می برد که نقطه پایانی آن بی آلایشی کامل و احساس آرامش است (چوپرا، ۱۳۸۴الف، ص ۸۰) لکن در واقع شناخت انسان از خدای متعال به صورت زیست شناختی است. (همان: ۷۵) چرا که

شناخت مذکور توسط مغز و ذهن انسان انجام می‌گیرد که مغز امری مادی بوده و توانایی شناخت خدای متعال مجرد را ندارد. ذهن نیز اگرچه مجرد است لکن عملکرد آن نیز وابسته به مغز بوده و به تنهایی توانایی شناخت خدای متعال را نخواهد داشت نهایت اینکه بتواند وجود خدا را اثبات کند.

۳- سیر دقیق خدانشناسی که در هفت مرحله انجام می‌گیرد را نمی‌توان تکامل معنوی به معنای خاص کلمه نامید بلکه انسان در تنازع بقاء فرابیولوژیکی، گونه‌خدایی را از آن خود می‌کندز «من آن نیروی زندگی و آن رودخانه بی‌پایانم. من منبع و مقصد آنم که با وجود تمام موانع و سدها همچنان در جریان است. چیزهایی از زندگی قدیمی‌ام به یاد دارم، به ویژه این خاطره که: خدا مادر کائنات، مرا در آغوش گرفت و دعوت کرد تا در رقص او شریک باشم» (همان: ۲۶۱) این دیدگاه از جمله مواردی است که نشان دهنده اومانیستی بودن مبانی انسان‌شناسی چوپراست.

غایت و هدف تکامل معنوی

۱- غایت و هدف تکامل معنوی از منظر چوپرا

چوپرا در پروسه‌ای هفت مرحله‌ای بیان می‌کند ذهن و روح یا به عبارت دیگر انسان و خدا به وحدت و یگانگی می‌رسند. «تفاوتی میان خود و خدا نمی‌بینم. در هند باستان این پایان جدایی را به یوگا و یا وحدت تعبیر کرده‌اند. خردمندان باستان قدرت این را داشتند که شاهد تکامل معنوی خود باشند که موجب نزدیکی ذهن به روح می‌شد». (چوپرا، ۱۳۹۹: ۳۰۱)

۲- غایت و هدف تکامل معنوی از منظر ملاصدرا

ملاصدرا نهایت کمال انسان را فنای الهی می‌داند و دو عامل علم و عمل صالح را راه دستیابی و وصول به فنای الهی معرفی می‌کند و سعادت انسان را در اتصال به معقولات و مجردات و همجواری با خدای متعال می‌داند. در واقع کمال انسان این است که با معقولات ارتباط برقرار کرده و به خدای متعال رسیده و همجوار او گردد. برای وصول به این مرتبه باید به تحصیل علوم و معارف الهی پرداخته و از زخارف بی‌ارزش دنیایی دوری گزینند. به دلیل وجود رشته‌های گوناگون علمی، انسان باید به علوم مهم‌تر بپردازد. از بین دانش‌ها، علوم عقلی محض یعنی علم به خدا و صفات او راه رسیدن به کمال هستند. انسان به این دلیل به عمل و عبادت‌های قلبی و بدنی نیاز دارد که بواسطه احکام شرعی و ریاضت‌های بدنی، نفس او طهارت پیدا کرده و رشد کند تا بواسطه شهوات بدنی و اشتغالات به امور دنیایی در نفس او ملکه اطاعت از شهوات نگردد چرا که باعث می‌شود انسان نتواند لذت‌های معنوی همچون همجواری با مقربان و مشاهده جمال خدای متعال و عقول و انوار قدسی را درک کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۲: ۲)

۳- بررسی تطبیقی غایت و هدف تکامل معنوی

صدرا و چوپرا در مساله هدف و غایت تکامل معنوی اشتراک دارند به این صورت که ملاصدرا هدف نهایی و غایی آفرینش انسان را وصول به مقام یقین و شهود خدای متعال می‌داند و بیان می‌کند بالاترین و کمال برای آفرینش انسان علم به معارف الهی و شهود جمال خدای متعال است. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۸: ۱۳۶-۱۳۷) چوپرا نیز غایت تکامل معنوی را نزدیکی ذهن به روح می‌داند. (چوپرا، ۱۳۹۹: ۳۰۱) لکن باید توجه داشت که از نگاه صدرا نفس انسانی بر اساس

حرکت جوهری می تواند در سه مرحله استکمال یافته و به خدای متعال برسد. مرحله قبل از عالم طبیعت (قبل از تعلق بدن)، مرحله طبیعت (تعلق به بدن)، مرحله بعد از عالم طبیعت (مفارقت از بدن). نفس در مرحله اول و قبل از اینکه به بدن تعلق بگیرد در مرتبه علت وجودی خود که از نوع عقل مفارق است قرار دارد چرا که هر معلولی در مرتبه علت تامه خود قرار دارد. در نتیجه نفس قبل از اینکه به بدن ملحق شود در مرتبه عقل مفارق که بسیط و مجرد است قرار دارد. این مرتبه تا هنگامی است که شرایط مادی مهیا گشته و بدن بتواند پذیرای نفس گردد. در مرحله دوم نفس وارد عالم طبیعت می شود و کارهای خود را از طریق قوای بدنی آغاز می کند. مرحله مربوط به مفارقت نفس از بدن می باشد. مرحله دوم مرحله ای مهم می باشد چرا که سیر تکاملی نفس در همین مرحله اتفاق می افتد که می توان آن را به سه مرتبه یا عالم نباتی، حیوانی و انسانی به شرح ذیل تقسیم کرد. در مرحله انسانی، انسان می تواند با سیرو سلوک و پیمودن مسیر الهی به مرتبه انسان ملکی و الهی برسد و فرشته ای از فرشتگان الهی گردد و نیز می تواند راه شیطان را در پیش گرفته و از حیوانات و شیاطین و اهریمنان گردد. این مرتبه مرتبه ای است که انسان، انسان ملکی بالفعل یا شیطانی بالفعل می گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج: ۸: ۱۳۶-۱۳۷) در حالی که چوپرا وصول به خدا یا روح را به یوگا و وحدت تعبیر می کند که با اعمالی چون ترنسندننال مدیتیشن انجام می گیرد. در واقع با ترنسندننال مدیتیشن می توان به فراسوی پنج حس ظریف و باریک و تا وصول به آگاهی و وحدت آن با آن رفت. (چوپرا، ۱۳۹۹: ۱۹۷)

اشکال چوپرا این است که عمل مذکور عمدتاً برای کنترل ذهن بوده و برای آرامش درونی انسان می باشد چنانکه خود چوپرا نیز ترنسندننال مدیتیشن را عملی می داند که ذهن را از حصار مرزها خارج کرده و در حالتی از آگاهی نامحدود قرار می دهد. (همان: ۲۳۳) و در نتیجه ذهن انسان آرام می گیرد و خود را به صورت سکوت تجربه می کند. سرور و همچنین شعور در همان سکوت جای دارند. اگرچه نمی توان ذیشعور بودن خود را حس کرد لکن می توان سرور را حس کرد. (همان: ۲۳۸) در نتیجه با برخی از اعمالی که عمدتاً برای کنترل ذهن و روان و نیز آرامش نفس می باشد نمی توان به خدا رسید.

علاوه بر آن باید توجه داشت که معنای یوگا وحدت نیست بلکه به منظور اتحاد قوای سه گانه جسم، روح و روان انجام می گیرد (آناندا جیوتی، ۱۳۸۰: ۳۸) برخی از محققان یوگا چون میرچا الیاده آموزه های یوگا را این چنین توصیف می کند: «کلیه فنون یوگا متوجه همین نکته است، یعنی انجام دادن عکس آنچه که آدمی بدان خو گرفته است. درواقع واژگونی کلیه ارزش های انسانی، هدف واقعی یوگا است» (شایگان، ۱۳۸۹: ۶۳۰). آناندا جیوتی نیز معتقد است: «یوگا متوقف کردن هرگونه آگاهی و فعل و انفعالات ادراکی است». (ساراسواتی، ۱۳۸۰: فصل ۱، بند ۲)

اشکال دیگری که در مورد غایت تکامل معنوی وجود دارد این است که چوپرا خدا و متافیزیک را در مغز می بیند و می گوید: «در ذهن حضور خدا احساس یا دیده می شود، هر چیز ذهنی با مغز در ارتباط است؛ زیرا قبل از اینکه بتوانید مشاهده ای داشته باشید باید میلیون ها رشته عصبی در هم انگیخته شوند. حضور و نور خدا، در صورتی واقعیت می یابد که بتوان آن را به جوابی از مغز که من «پاسخ خدا» نامیده ام، تعبیر کرد. الهامات مقدس و مکاشفات از مغز عبور می کنند». (چوپرا، ۱۳۸۴ الف: ۲۵) در واقع وی خدا را مفهومی اعتباری معرفی می کند که نتیجه مغز انسان است و «تنها مغز است

که می تواند گروه عظیم خدایان را بزايد». (همان: ۲۸) درحالی که تکامل معنوی از نگاه صدرا برای وصول به خدایی است آفریننده هستی بوده و شناخت او و تقرب به او بواسطه معرفت نفس و عبادت و تزکیه انجام می گیرد.

راه ها و ابزارهای تکامل معنوی

۱- راه ها و ابزارهای تکامل معنوی از منظر چوپرا

✓ خدانشناسی

از جمله مواردی که چوپرا در تکامل معنوی صحبت می کند سیر انسان در مراحل هفتگانه خدانشناسی است. به این صورت که سیر شناخت خدا توسط مغز انسان در هفت مرحله رخ می دهد که هر مرحله ای متناسب با پرسش ها و برداشت های انسان طراحی شده است. خدای چوپرا خدایی غیرمتشخص است که مغز انسان سوالاتی راجع به آن طراحی می کند و همان مغز نیز برداشت های خود را در پاسخ به سوالات و نیازهای انسان ارائه می دهد. انسان در هر مرحله به خدایی دست می یابد که متناسب با سوالات طراحی شده در همان مرحله است. سوالات عبارت است از: من که هستم؟ جایگاه مناسب من کجاست؟ و ذهن انسان به هر کدام از این پرسش ها پاسخ می دهد که از نگاه چوپرا، پاسخ خدا نام دارد و این پاسخ، نوع خدا و مرحله ای را که سوال کننده در آن قرار دارد مشخص می کند. خدای هر مرحله با مرحله دیگر متفاوت است: ۱- خدای حافظ ۲- خدای قادر مطلق ۳- خدای صلح و آرامش ۴- خدای رهایی بخش ۵- خدای آفریننده ۶- خدای معجزات ۷- خدای هستی محض. (چوپرا، ۱۳۸۴ الف: ۷۰)

وی سپس به نهایت مراحل هفتگانه اشاره کرده و می گوید شاید واقعیت فقط نمادی از عملکرد ذهن خدا باشد و اگر چنان باشد اعتقاد بدوی که خدا را در هر برگ گیاه، هر آفریده و ... وجود دارد ممکن است عالی ترین حقیقت را دربرداشته باشد. در هر مرحله از خدا ما را به سفری می برد که نقطه پایانی آن بی آلاشی کامل و احساس آرامش است. (همان: ۸۰) در واقع شناخت انسان از خدای متعال به صورت زیست شناختی است. (همان: ۷۵) لکن انسان مانند بچه ای است که رشد می کند مجبور است سیر تکامل را به طرف پندار کامل تری بپیماید تا روزی که بتواند همه چیز را همان طور که خدا می بیند ببیند. (همان: ۸۰)

✓ خارج شدن از نقش های زندگی

چوپرا دو کتاب مهم اکسیر و هفت قانون معنوی موفقیت را به موضوع معنویت اختصاص داده است. چوپرا برای توضیح تکامل معنوی ابتدا به سراغ انسان می رود و از حقیقت آن جويا می شود. وی فصل چهارم کتاب اکسیر خود را با این سوال مهم من کیستم؟ آغاز کرده و در پاسخ آن، به نقل از کیمیاگر می گوید: آن چه که در دنیا، انسان را محدود می کند نامها و برچسبها و اوصاف است. اگرچه داشتن نام خوب است و فایده دارد لکن به سرعت باعث محدودیت می شود. نامها تنها باعث توصیف انسان می شوند به این صورت که زمان و مکان تولد و نیز پدر و مادر انسان را معین می کنند و نیز مشخص می کنند که در کدام مدرسه درس خوانده و در کجا ساکن است. در نهایت هویت انسان در جعبه ای از کلمات احاطه شده است. محتوای جعبه می تواند شامل عناوینی چون وکیل، استاد دانشگاه، دارای سه فرزند و ... باشد.

این کلمات و عناوین انسان نامشروط را به تله شرط و شروط می اندازد. (چوپرا، ۱۳۸۲ الف: ۵۰-۵۱) در واقع تقدیر انسان این است که نقش های بی شمار و متعددی بازی کند لکن هیچ کدام از آن نقش ها خود انسان نیستند. (همان: ۴۸)

چوپرا سپس به نقل از مرلین، شناخت حقیقت انسان را ناممکن می داند چرا که انسان رودخانه آگاهی است و در طول زمان جریان داشته و از سنگینی گذشته ها انباشه شده است. وی کامل بودن را دارای معانی متعددی دانسته و معتقد است کامل بودن در جامعه با کامل بودن حقیقی تفاوت بسیار دارد چرا که «مفهوم کامل بودن در جامعه ما این است که تا حد امکان نقشهای بیشتری را ایفا کنیم. اما کیمیاگر ابد این وضعیت را به این صورت نمی بیند. از دیدگاه او کامل بودن به معنای رهایی از هرگونه نقش است». (همان: ۵۲-۵۳) در نتیجه هنگامی که انسان از همه نقش رها شود می تواند کامل شود و به تکامل دست یابد.

✓ عشق

شاید مهم ترین بخش تکامل معنوی چوپرا تکامل بواسطه عشق است. وی در تلاش است در کنار مدیتیشن و مراقبه و ... معنویت را وارد زندگی انسان کند و از مشکلات روحی و روانی او بکاهد. «بدون شک در هر رابطه انسانی (دوطرفه)، نیازهای نفس مشترک برای خود جایی دارد. مساله اصلی زمانی ظاهر می شود که این نیازها رشد ظریف عشق را در بعد معنوی اش مانع می شوند. مدت ها پیش از آنکه عاشق شویم، نیازهای خود را بیش از حد کفایت می شناسیم. یافتن راهی برای ارضاء آنها دقیقاً به معنی رهایی از آنها نیست. فقط عشق می تواند ما را به رهایی برساند زیرا که حقیقت وجودی آن پادزهری برای ترس است». (چوپرا، ۱۳۸۸: ۱۴۵) در واقع برای رسیدن به معنویت و رشد آن نیاز به عشق است اگر عشق وارد زندگی انسان شود معنویت انسان نیز بسان درختی رشد خواهد کرد. «ارزشمندترین چیزی که هر کس می تواند به درون هر رابطه انسانی بیارود، انرژی نهفته معنوی اوست. این همان چیزی است که در بدو آغاز زندگی با حکایت عاشقانه، می بایست به عمیق ترین نحو عرضه کنی. همانگونه که زندگی درخت از بذر آغاز می شود برای رشد و پرورش عشق نیز نیازمند بذری هستیم که همان انرژی معنوی نهفته ماست». (همان: ۴۲) چوپرا سپس به منشا گفته های خود اشاره کرده و می گوید: شکوفایی انرژی معنوی تنها از جانب وی گفته نشده بلکه مشغله اصلی تمام فرزانه‌ها، خردمندان و همه مردان بزرگ تاریخ بشریت است. (همان: ۴۲)

وی در کتاب اکسیر تعریف روانشناسان از عشق را قبول نداشته و آن را تفسیری مادی می داند و می گوید: در زمانهای گذشته، زودگذرترین دلباختگی ها، معنایی معنوی به همراه داشت و صمیمیت و پیوستگی با خدا از طریق معشوق، جنبه جدی داشت. بعد از فروید روانشناسان معتقد شده اند که عاشق شدن فریبی بیش نیست و شور و جذبه آن نیز غیر واقعی است. این نگاه ما را وادار کرد تا به عشق به عنوان امری موقت و ناپایدار نگاه کرده و بپذیریم که باید به این امر که می توان همچون عاشق پرشور و حرارت فناپذیر و مصون از خطر باشیم اعتنا نکنیم. (همان: ۴۶) وی معتقد است انسان ها در لذت ناب متولد شده اند لکن این وضعیت بر اثر فعالیت های روزمره و نامنظم زندگی تیره و تار شده است. (همان: ۸۴) باید توجه داشت میان ارزشهای متعالی که در سایه عشق به دست می آید و میان تمایل و خواهش نفسانی تفاوت وجود دارد. بسیاری از مردم زندگی را در جستجوی پول، قدرت، امنیت و راحتی می بینند. (همان: ۱۴۴) لکن معنویت به

دنبال عدم دلبستگی به دنیای مادی است. با معنویت می توان از خواهش ها و تمایلات نفسانی رها شده و به لذت ناب رسید.

در بحث جایگاه امیال جنسی در تکامل معنوی، نگاه واحدی وجود ندارد؛ برخی از معنویت های سعی در سرکوب آن دارند و برخی دیگر آن را باعث تکامل انسان می دانند لکن چوپرا سرکوب امیال جنسی را نادرست دانسته و معتقد است که این امور می تواند باعث تکامل معنوی انسان گردند. «عشق شاعرانه - زمینی - بدون هیچ انکاری زمینی است اما در عین حال قابلیت های معنوی بالقوه ای را نیز دارا می باشد.» (همان: ۱۶۴) در نتیجه اگرچه «پاکدامنی و تقوای ناب و خالص نوعی ویژگی معنوی است ولی نباید آن را با سرکوب امیال معادل دانست.» (همان: ۱۷۲)

✓ مراقبه

مراقبه از جمله راه هایی است که برای تکامل انسان ذکر شده است این تعلیم در ادیان الهی برای تکامل معنوی روح است لکن در معنویت های غیردینی تعریف دقیقی از آن وجود نداشته و نه تنها در هر کدام از تکامل های معنوی و زیستی کاربرد دارد بلکه در عمده معنویت های غیردینی به معنای مدیتیشن بکار می رود. (رحیم زاده، ۱۳۷۸: ۴۵-۴۶)

چوپرا انسان را دارای قدرت خلاقیت می داند و معتقد است فرد برای دستیابی به خلاقیت نامتناهی خود باید هر روز سکوت را تمرین کند و مراقبه داشته باشد و از داوری پرهیز کند. به این صورت که هر روز زمان مشخصی سکوت کند تا گفتگوی درونی وی آرام شود. و نیز هنگام صبح و غروب به مراقبه بپردازد. علاوه بر آن باید از داوری نسبت به امور به این صورت که آنها را خوب یا بد بداند یا اینکه آنها را تجزیه و تحلیل کند دست بردارد تا اینکه به آگاهی مطلق درونی اش دست یازد. (چوپرا، ۱۳۸۲: ۱۶-۱۹)

✓ انتخاب استاد معنوی

چوپرا در بحث تکامل معنوی به انتخاب استاد معنوی معتقد بوده و به افرادی که دارای اختلاف عقاید هستند پیشنهاد می کند یک استاد معنوی، یک گورو - رهبر مذهبی هندوها - برای خود انتخاب کنند. در هنگام اوج گرفتن اختلافات معلم خردمند با گنجینه ای از نصایح معنوی، می تواند بسیار مفید باشد. (چوپرا، ۱۳۸۸: ۲۳۳)

۲- راه ها و ابزارهای تکامل معنوی از منظر ملاصدرا

خدای متعال در قرآن کریم انسان را موجود غیرثابت و سیال معرفی کرده که به سوی کمال نهایی در حرکت است. «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ، اى انسان، حقاً که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی، و او را ملاقات خواهی کرد.» (انشقاق: ۶) ملاصدرا نیز قائل به سیالیت انسان می باشد و معتقد است میان کمال انسان و وجود ارتباط مستقیمی برقرار است به این صورت که هر موجودی هر چقدر که به لحاظ وجودی دارای حدود و نواقص کمتری باشد به همان اندازه نیز کامل تر و سعادت مندتر خواهد بود. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۹: ۱۲۱)

✓ علم و عمل صالح

از نگاه صدرا نهایت کمال انسان فنای الهی است و دو عامل علم و عمل صالح راه دستیابی و وصول به فنای الهی می باشد. وی معتقد است سعادت انسان، اتصال به معقولات و مجردات و همجواری با خدای متعال است. در واقع کمال انسان این است که با معقولات ارتباط برقرار کرده و به خدای متعال رسیده و همجوار او گردد. برای وصول به این مرتبه باید به تحصیل علوم و معارف الهی پرداخته و از زخارف بی ارزش دنیایی دوری گزیند. به دلیل وجود رشته های گوناگون علمی، انسان باید به علوم مهم تر بپردازد. از بین دانش ها، علوم عقلی محض یعنی علم به خدا و صفات او راه رسیدن به کمال هستند. انسان به این دلیل به عمل و عبادت های قلبی و بدنی نیاز دارد که بواسطه احکام شرعی و ریاضت های بدنی، نفس او طهارت پیدا کرده و رشد کند تا بواسطه شهوات بدنی و اشتغالات به امور دنیایی، در نفس او اطاعت از شهوات ملکه نگردد چرا که باعث می شود انسان نتواند لذت های معنوی همچون همجواری با مقربان و مشاهده جمال خدای متعال و عقول و انوار قدسی را درک کند. (همان، ج ۲: ۲)

✓ تکامل عقل نظری

صدرا عقل انسان را به دو قسم نظری و عملی تقسیم می کند و در مورد هر کدام ابزارهایی را برای تکامل معنوی انسان مطرح می کند. در مورد عقل نظری، اتحاد عاقل و معقول را برای استکمال علمی نفس انسان بیان می کند. به این که حصول صورت های عقلی در نفس انسان باعث می شود تا نفس از مرحله عقل بالقوه به مرتبه عقل بالفعل رشد و ارتقا پیدا کند. (همان، ج: ۳۱۹-۳۲۱) در نتیجه نفس انسان بر اثر حرکت جوهری اشتدادی از جهان محسوس به معقول حرکت کرده و با تعقل وارد عالم عقول می گردد و در هنگام مشاهده ذوات نورانی عالم عقول با آنها متحد شده و تعقل انجام می گیرد. (همان، ج: ۲۸۸) در نتیجه تکامل نفس ارتباط مستقیم با نوع ادراکات دارد و هرچقدر ادراکات انسان خدایی بوده و تجرد بیشتری داشته باشد تکامل معنوی نیز سریعتر و شدیدتر خواهد بود.

✓ تکامل عقل عملی

وی سپس به تکامل عقل عملی در چهار مرحله پرداخته و توصیه هایی را به صورت ذیل مطرح می کند. ۱- انجام احکام و دستورات دینی و الهی که باعث تهذیب ظاهری نفس می گردد. ۲- در صورتی که مرتبه اول درست انجام شده باشد یعنی در صورتی که به دستورات الهی عمل شده باشد انسان در مرتبه دوم به تهذیب قلب نائل می شود. ۳- در این مرتبه انسان خود را به صورت های الهی و صفات نیکو آراسته می کند. ۴- در این مرحله فنای نفس در ذات خود اتفاق می افتد به این صورت که منیت و خودبینی از بین می رود و نفس خود را کنار زده و تنها خدای متعال را نظاره می کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۷ق: ۲۰۷) مرحله چهارم آخرین مرحله و مرتبه عقل علمی بوده و عارف به حق می رسد لکن این مرحله و مرتبه نهایت سفر عارف نیست بلکه در آن سفرهایی چون سفر در حق و سفر از حق وجود دارد لکن نمی توان از آنها سخن گفت چرا که تنها راه فهم و دستیابی به آنها، با حضور و مشاهده است.

✓ عشق

صدرا عشق را نیز از جمله عوامل تکامل معنوی انسان مطرح می کند چرا که هر عبادت و حرکت اختیاری که علت و باعنی غیر از عشق و محبت به خدا داشته باشد ناقص بوده و نتیجه ای دربرنخواهد داشت. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۳۹) عشق و محبت به خدای متعال ناشی از معرفت به خداست و در نتیجه هرچقدر معرفت بیشتری وجود داشته باشد به همان اندازه نیز عشق و محبت افزایش خواهد داشت و به تبع آن سیر و سلوک و حرکت به سوی خدا سریعتر و بیشتر خواهد بود و این امر سبب می شود تا معارف بیشتری از سوی خدا به سمت سالک سرازیر گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۸: ۱۳۴)

✓ انسان کامل

از جمله عوامل دیگر در تکامل معنوی انسان، وجود انسان کامل است. از نظر صدرا انسان کامل، غایت و هدف خلقت است (صدرالدین شیرازی، بی تا: ۲۷) و حقیقت محمدیه هدف و علت تمام هستی می باشد. خود حضرت رسول (ص) نیز می فرماید: نحن الآخرون السابقون (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴، ج ۴: ۱۳۰) ملاصدرا بعد از وجود مبارک حضرت رسول (ص)، ائمه (ع) را از جمله انسان های کامل برای هدایت سالکان الی الله معرفی می کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۷۵) وی سپس از اولیاء الله و بعثت انبیاء الهی نیز به عنوان اینکه هدایتگر به خدای متعال و نیز واسطه افاضات نوری و آگاهی و همداردهندگان به انسان ها در مورد غفلت ها و سستی های آنها هستند به عنوان افرادی معرفی می کند که انسان های سالک را در مسیر سلوکشان کمک می کنند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۸: ۱۲-۱۳)

۳- بررسی تطبیقی راه ها و ابزارهای تکامل معنوی

در بخش راه ها و ابزارهای تکامل معنوی از نگاه صدرا و چوپرا اشتراکات و افتراقاتی وجود دارد. نقاط اشتراک میان آندو در سه ابزار خداشناسی، عشق و استاد معنوی است. لکن این نوع اشتراک تنها در عنوان است چرا که خداشناسی از نگاه صدرا در سایه معرفت نفس و وحی الهی انجام می گیرد لکن خداشناسی چوپرای سطحی بوده و بواسطه پرسش و پاسخ ذهن انجام می گیرد. در مورد استاد معنوی نیز چوپرا در کتاب اکسیر افرادی مانند کیمیاگر، جادوگر و گورو را به عنوان انسان کامل معرفی می کند در حالی که انسان کامل از نگاه صدرا حقیقت محمدیه، انبیاء و ائمه معصومین و اولیای الهی هستند که مورد تایید خدای متعال می باشند. اشکالات چوپرا در بحث معنویت این است که در ادیان الهی و فلسفه صدرایی تکامل بدون اعتقاد به خدا و ادیان الهی و کمک گرفتن از عبادت انجام نمی گیرد. ملاصدرا نهایت کمال انسان را فنای الهی می داند و دو عامل علم و عمل صالح و عبادات های بدنی و قلبی را راه دستیابی و وصول به فنای الهی معرفی می کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۲: ۲) لکن در اندیشه چوپرای برای تکامل نیازی به تلاش و مجاهده خاصی نیست بلکه انسان تنها باید خود را به فرایند طبیعت سپرده و خود را با آن همراه کند. «از آنجایی که حیات به حکم طبیعت خود رشد می کند و متکامل می شود، مجبور نیستیم برای اینکه در جهت مناسب رشد کنیم اقدام ویژه ای انجام دهیم. احاطه پیدا کردن بر نفس با همه ی منافعی که برای سلامتی ما دارد به معنای آن است که به

هوشیاری بی‌پایان ذهن و جسم اجازه بدهیم با هم همکاری بیشتری داشته باشند و این کاری است که ما به انجام آن راغب هستیم». (چوپرا، ۱۳۸۴ الف: ۱۴۵)

موانع تکامل معنوی

۱- موانع تکامل معنوی از منظر چوپرا

معنویت‌های غیردینی در کنار راه‌های رسیدن به تکامل معنوی، موانع دستیابی به آن را نیز مطرح کرده‌اند چنانکه چوپرا در کتاب چگونه خدا را بشناسیم؟ فصل مهمی را به مفهوم سازی و شناخت خدای متعال در ۷ مرحله اختصاص داده و در هر مرحله موانع رسیدن به خدای متعال را که متناسب با همان مرحله است بیان کرده که عبارتند از:

✓ خودستایی

چوپرا بزرگترین مانع تکامل و پیشرفت را خودستایی معرفی کرده و می‌گوید هنرمندان آثار نقاشی و موسیقی خود را به یک بوم یا کاغذ سفید آغاز می‌کنند؛ آن‌ها به درون خود می‌روند و پنداری ظاهر می‌شود که در اگر چه در آغاز ضعیف است اما در حال رویش می‌باشد. این پندار باعث احساس تمایل به متولد شدن می‌شود. اگر الهام درست و اصیل باشد، این اثر هرگز از بین نمی‌رود و آفریننده و آفرینش با هم یکی می‌شوند که تخیل نام می‌گیرد که برتر از یک ایده زیباست که انسان تمایل به اجرای آن دارد. وی برای تبیین اینکه خودستایی مانع پیشرفت است به همینگوی اشاره می‌کند که چون بعد از شهرت دچار خودستایی شد آثارش به سطح تلاش و مبارزات معمولی تنزل یافت. در واقع در مراحل معنوی شدن، برای افرادی که هنوز در خودستایی غوطه‌ور هستند خطر از دست دادن ارتباط وجود دارد. انسان برای اینکه به قدرت برسد چاره‌ای ندارد جز اینکه آن را ترک کند. این بزرگترین درسی است که نفس در این مرحله با آن روبروست. (چوپرا، ۱۳۸۴ الف: ۱۹۲)

✓ نفس‌گرایی

نفس‌گرایی نیز از دیگر عوامل رخوت و سستی است که نتیجه آن عدم وصول به مراحل بالاتر است. «در مرحله پنج، وسوسه این است که در درون خودتان قفل شوید. من گفتم وقتی که آرزوها کاراتر می‌شوند، دیگر به کوشش بیرونی نیازی نیست. چنین به نظر می‌آید که خدا کار را در دست می‌گیرد و همه چیز توسط خلبان خودکار آغاز می‌شود. اما این نباید بهانه‌ای برای رخوت شود. انسان هنوز نقش خود را دارد. در قیاس مغایر، او ممکن است همان هیجانانگیزی را داشته باشد که از همکار آفریننده بودن خود آگاه نیست. این تفاوت در درون ذهن رخ می‌دهد». (چوپرا، ۱۳۸۴ الف: ۱۹۳-۱۹۲)

✓ درک بدی

چوپرا درک بدی را از جمله دیگر موانع تکامل معرفی کرده و در مرحله شش خداشناسی می‌گوید: «در مرحله شش فرد به اندازه کافی بصیرت درک این را دارد. او هنوز خوبی را درک می‌کند. این نیروی تکامل تدریجی است که در پس تولد، رشد، عشق، حقیقت و زیبایی قرار گرفته است. همچنین او درکی از بد نگاه می‌دارد. این نیرویی است که با تکامل مخالفت می‌کند - و ما آن را آنتروپی می‌نامیم - که به انحلال، تجزیه و رخوت و گناه خواهد انجامید». (همان: ۲۰۶)

علاوه بر آن وی به نقل از یک مرشد هندی معتقد است ما نباید تمام لحظه های عمر خود را به تبدیل افکار و اعمال خود به سمت خوبی صرف کنیم چرا که بواسطه این کار به اندازه همان شخصی که تمام وقتش را به بدی می گذراند از روشنگری دور خواهیم شد. (همان: ۲۱۷)

✓ آرمان گرایی دروغین

چوپرا قدیس را جادوگری نمی داند که سراب را به طلا تبدیل می کند بلکه او را فردی می داند که ماده اصلی روح را دگرگون می کند و این رفتار، ساده و خالص است. (همان: ۲۲۱) در نتیجه نباید آرمان گرا بود که خود مانع تکامل گرایی است بلکه باید مانند قدیس، رفتاری ساده و خالص داشت.

✓ شهادت وسوسه نفس

شهادت وسوسه نفس از جمله دیگر موانع تکامل گرایی است که در مرحله شش خداشناسی گریبان گیر انسان می شود. «در اینجا منظور من کوچک شمردن شهادت نیست، فقط می خواهم بگویم که مرحله شش هنوز پایان سفر نیست. تا زمانی که رنج وسوسه ی خود را دارد هنوز نشانه هایی از گناه وجود دارد و همان است که آخرین شکافت باریک میان خدا و مؤمن را ایجاد می کند. نفس به اندازه کافی قدرت دارد که بگوید: «من» قداست خود را برای خدا اثبات می کنم. بنابراین، در مرحله بعد نه چیزی و نه «من» برای اثبات باقی نخواهد ماند. رسیدن به آن نقطه، آخرین تقلائی قدیس است». (همان: ۲۲۴)

۲- موانع تکامل معنوی از منظر ملاصدرا

✓ نیت و قصد گناه

ملاصدرا نه تنها نیت و قصد گناه را از جمله موانع تکامل انسان معرفی می کند بلکه معتقد است اعمال نادرست و غیرشرعی اگر به خاطر خدای متعال ترک نشود بلکه ترک آنها به علت مانعی غیرالهی باشد پاداشی ندارد و نمی تواند مانع از عقاب شخص به علت نیت های ناصحیح و غیرشرعی شود. چرا که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: مردم بر اساس نیت هایشان محشور می شوند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۱۳)

✓ شیاطین انسی و جنی

شیطان در اندیشه ملاصدرا تنها به معنای ابلیس نیست بلکه هر موجود انسی و جنی که مانع تکامل انسان شود شیطان نام می گیرد. شیاطین عمدتاً عقاید نادرست را برای نفس انسان تزیین کرده و صورتی حقانی به آنها می بخشند و باعث می شوند انسان نتواند نادرست و باطل بودن آنها را تشخیص دهد. علاوه بر آن اعمال غیرشرعی را به صورت اعمال شرعی و الهی برای انسان جلوه گر می سازند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۴۰، ج ۲: ۱۳) چنانکه خدای متعال می فرماید: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا؛ بگو که آیا می خواهید شما را بر زیانکارترین مردم آگاه سازیم؟ [آنان] کسانی اند که کوشش شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می پندارند که کار خوب انجام می دهند.» (کهف: ۱۰۳-۱۰۴)

✓ جهالت و عقاید نادرست

انسان برای سیر و سلوک و تکامل خود نیاز به آگاهی و معرفت نسبت به راه و مقصد دارد. از جمله مهمترین راه های سیر و سلوک و تکامل از نگاه دین اسلام و فلسفه اسلامی معرفت نفس است. لذا پیامبر(ص) فرمود: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۱۰۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۹۱، ج ۹: ۴۶۰ و ج ۳۰: ۷۲۱) در نتیجه از نگاه ملاصدرا عقاید باطل نیز از موانع تکامل می باشد و باعث می شود تا صفای قلب از بین رفته و با تیره شدن آن، زمینه تابش نور ایمان نیز از بین می رود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۴۰، ج ۱: ۹۵)

✓ ضعف ایمان و بی ایمانی

ملاصدرا ایمان را از جمله عوامل تاثیرگذار در تکامل می داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۴۹) در نتیجه ضعف ایمان و بی ایمانی از موانع تکامل به حساب می آید. لکن از نگاه وی ایمان به تنهایی کافی نیست مگر اینکه همراه با عمل اعضا و جوارح باشد و حق عمل نیز زمانی ادا می شود که عمل انسان همراه با نیت قلبی باشد. نیت نیز در صورتی تام و کامل و صحیح خواهد بود که بواسطه هدایت، برهان و حکمت الهی و قرآن باشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۴۲۸)

✓ دنیادوستی

صدرا معتقد است برخی از انسان ها نمی دانند که دنیا و طبیعت مکان خوف و ذلت است و در مقابل عالم عقل سراسر امنیت و سرور است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۲۴۱) در نتیجه جهل مذکور باعث حب دنیا شده و به دنبال آن انسان نمی تواند از دنیا و لذات دنیوی دست کشیده و به آخرت روی آورد.

✓ ردائیل اخلاقی و نفسانی

همانگونه که فضائل اخلاقی باعث تکامل انسان هستند همانگونه نیز ردائیل اخلاقی مانع تکامل به شمار می روند به عنوان مثال ملاصدرا ظلم و جور را از عواملی می داند که باعث سقوط انسان در جهنم می گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۴: ۱۱۴)

✓ نداشتن استاد سلوک

ملاصدرا استاد سلوک و هادی را لازمه سیر و سلوک می داند و عدم آن را باعث عدم وصول به خدای متعال معرفی می کند. استاد سلوک باید به موازین و اصول سیر و سلوک آشنا باشد تا بتواند سالک را به درستی هدایت کند. در واقع خود استاد سلوک باید با قرآن کریم، و روایات شریفه و سنت نبوی و رفتار معصومین آشنایی کافی داشته باشد تا بتواند سالک را هدایت کند. چرا که چه بسا مکاشفاتی برای سالک اتفاق می افتد که الهی نبوده و خیالی یا شیطانی هستند در این هنگام استاد سلوک سالک را به راه درست هدایت می کند. در واقع استاد سلوک مانند طبیبی است که برای رشد و تکامل سالک اذکار خاصی را به او تعلیم می دهد در نتیجه این چنین شخصی باید به معارف حقه احاطه کافی داشته باشد تا بتواند سالک را در مراتب مختلف تکامل هدایت کند و این امر امکان پذیر نیست مگر اینکه استاد سالک بتواند از مراتب وجود سالک آگاهی و اطلاع داشته باشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۲۲۱-۲۲۵)

۳- بررسی تطبیقی موانع تکامل معنوی

در بحث موانع تکامل نقاط مشترک متعددی میان چوپرا و صدرا وجود دارد که عبارتند از: ۱- دنیادوستی ۲- نداشتن استاد سلوک ۳- نفس گرایی

چوپرا دنیادوستی را از عوامل ترس از مرگ می داند وی معتقد است انسان نباید از مرگ بترسد چرا که مرگ آغاز است نه پایان. تنها کسانی از مرگ می ترسند که به خاطر هایشان چسبیده اند. این ها زندگی جاودانه نداشته و فانی هستند. انسانی که می خواهد حیات جاودانه داشته باشد باید مانند کیمیاگر باشد در لحظه بمیرد تا دروازه حیات بی پایان را کشف کند. (چوپرا، ۱۳۸۲ الف: ۱۲۷)

صدرا نیز معتقد است برخی از انسان ها نمی دانند که دنیا و طبیعت مکان خوف و ذلت است و در مقابل عالم عقل سراسر امنیت و سرور است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۲۴۱) در نتیجه جهل مذکور باعث حب دنیا شده و به دنبال آن انسان نمی تواند از دنیا و لذات دنیوی دست کشیده و به آخرت روی آورد.

در مورد استاد معنوی، هم صدرا و هم چوپرا قائل به اختیار استاد معنوی هستند لکن استاد معنوی در اندیشه چوپرا عمدتاً کیمیاگر، جادوگر و گورو می باشد. لکن استاد معنوی در اندیشه چوپرا انسان کاملی است که باید به موازین و اصول سیر و سلوک آشنا باشد تا بتواند سالک را به درستی هدایت کند در واقع خود استاد سلوک باید با قرآن کریم، و روایات شریفه و سنت نبوی و افعال معصومین آشنایی کافی داشته باشد تا بتواند سالک را هدایت کند. چرا که چه بسا مکاشفاتی برای سالک اتفاق می افتد که الهی نبوده و خیالی یا شیطانی هستند در این هنگام استاد سلوک سالک را به راه درست هدایت می کند. در واقع استاد سلوک مانند طبیعی است که برای رشد و تکامل سالک اذکار خاصی را به او تعلیم می دهد در نتیجه این چنین شخصی باید به معارف حقه احاطه کافی داشته باشد تا بتواند سالک را در مراتب مختلف تکامل هدایت کند. (همان: ۲۲۱)

از نقاط افتراق میان ملاصدرا و چوپرا در بخش موانع تکامل معنوی می توان به شیاطین انسی و جنی و نیز ضعف ایمان اشاره کرد که چوپرا به آندو قائل نیست.

نتیجه گیری

با توجه به سوال اصلی مقاله که چه نقدهایی بر آراء چوپرا در مساله تکامل معنوی بر اساس دیدگاه های ملاصدرا وجود دارد به نتایج ذیل دست یافتیم. در هر کدام از مولفه های تکامل معنوی مانند معنای تکامل، غایت و هدف، راه و ابزار و موانع میان صدرا و چوپرا نقاط اشتراک و افتراق متعددی وجود دارد. معنای تکامل از نگاه چوپرا بسیار سطحی بوده و قابل مقایسه به تکامل معنوی از نگاه صدرا که منجر به تقرب به خدای متعال و فنای در او می شود نیست. در مساله

غایت و هدف تکامل نیز ملاصدرا هدف نهایی و غایی آفرینش انسان را وصول به مقام یقین و شهود خدای متعال می‌داند و بیان می‌کند بالاترین ارزش و کمال برای آفرینش انسان علم به معارف الهی و شهود جمال خدای متعال است. چوپرا نیز غایت تکامل معنوی را نزدیکی ذهن به روح می‌داند. لکن اگرچه با تسامح بتوان گفت غایت و هدف تکامل از نگاه چوپرا وصول به خداست لکن هدف عمده او آرامش درونی است. در بخش راه‌ها و ابزارها نیز از خداشناسی، عشق و استاد معنوی می‌توان به نقاط اشتراک اشاره کرد لکن در همین نقاط اشتراک نیز تفاوت ماهوی با همدیگر دارند چرا که استاد معنوی از نگاه چوپرا افرادی مثل کیمیاگر و جادوگر هستند نه رسولان الهی لکن استاد معنوی از نگاه صدرا حقیقت محمدیه و انبیاء و ائمه و اولیای الهی هستند که متصل به خدای متعال می‌باشند. در بخش موانع نیز از نداشتن استاد و دنیادوستی و نفس‌گرایی می‌توان به نقاط اشتراک اشاره کرد.

مصادر

قرآن

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ق)، عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، چاپ اول، قم، دار سیدالشهداء.
۲. اوشو، راجنیش، (۱۳۸۵)، بیگانه در زمین، ترجمه مجید پزشکی، اصفهان، هودین
۳. چوپرا، دیپاک، (۱۳۸۲الف)، اکسیر، بیست درس معنوی برای آفرینش زندگی دلخواه، ترجمه گیتی خوشدل، نشر قطره.
۴. چوپرا، دیپاک، (۱۳۸۲ب)، هفت قانون معنوی موفقیت، ترجمه گیتی خوش دل، نشر قطره.
۵. چوپرا، دیپاک، (۱۳۸۴الف)، چگونه خدا را بشناسیم؟، ترجمه هاشم ساغرچی، انتشارات حریر.
۶. چوپرا، دیپاک، (۱۳۸۴ب)، طریق کیمیاگری م. آ. اوزا، تهران، اشراقیه.
۷. چوپرا، دیپاک، (۱۳۸۸)، جاده عشق، ترجمه حمیدرضا بلوچ و حسن هندی زاده، تهران، نشر پیکان.
۸. چوپرا، دیپاک، (۱۳۹۹)، شفای کوانتومی (کاوشی در مرزهای پزشکی ذهن و بدن)، ترجمه هایده قلعه بیگی، پردیس دانش، چاپ هفدهم.
۹. دروش، هانری، (۱۳۸۴)، جامعه شناسی دین، ترجمه سارا شریعتی، فصلنامه جامعه شناسی ایران، سال ششم، شماره ۲
۱۰. رحیم زاده، پروین، (۱۳۷۸)، نغمه زندگی، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
۱۱. ساراسواتی ساتیاناندا (۱۳۸۰)، یوگا سوتره‌های پتنجلی، سید جلال‌الدین موسوی نسب (آناندا جیوتی)، تهران: انتشارات فراروان.
۱۲. شایگان داریوش (۱۳۸۹)، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۳. صدر الدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، (۱۳۴۰)، رساله سه اصل، تهران، دانشگاه علوم معقول و منقول
۱۴. صدر الدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، (۱۳۵۴)، المبدأ والمعاد، تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران

۱۵. صدر الدين شيرازى، محمدبن ابراهيم، (۱۳۵۸)، الواردات القلبية، ترجمه احمد شفيعياها، تهران، انجمن فلسفه ايران
۱۶. صدر الدين شيرازى، محمدبن ابراهيم، (۱۳۶۳)، مفاتيح الغيب، تهران، موسسه تحقيقات فرهنگى
۱۷. صدر الدين شيرازى، محمدبن ابراهيم، (۱۳۶۴)، تفسير القرآن الكريم، تحقيق محمد خواجوى، قم، بيدار
۱۸. صدر الدين شيرازى، محمدبن ابراهيم، (۱۳۶۶)، ترجمه و شرح اصول كافى كتاب عقل و جهل، ترجمه محمدخواجوى، تهران، مولى
۱۹. صدر الدين شيرازى، محمدبن ابراهيم، (۱۳۸۱)، كسرالاصنام الجاهليّة، تصحيح محسن جهانگيرى، تهران، بنياد حكمت اسلامى صدرا
۲۰. صدر الدين شيرازى، محمدبن ابراهيم، (۱۹۸۱)، الحكمة المتعاليّة فى الاسفار العقليّة الاربعّة، بيروت، دار احياء التراث العربى
۲۱. صدرالدين شيرازى، محمدبن ابراهيم، (۱۴۱۷ق)، الشواهد الربوبية فى المناهج السلوكية، ط ۱، بيروت، مؤسسة التاريخ العربى
۲۲. صدرالدين شيرازى، محمدبن ابراهيم، (بى تا)، ايقاظ النائمين، تصحيح و مقدمه محسن مويدى، بيروت، دار احياء التراث العربى
۲۳. فارابى، ابونصر محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الاعمال الفلسفية، تحقيق دكتور جعفر آل ياسين، بيروت، دار المناهل
۲۴. فخررازى، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، تفسير كبير، بيروت، دار احياء التراث العربى